

تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل دهی به سازمان‌های منطقه‌ای (نمونه موردی: سازمان همکاری شانگهای)

هادی اعظمی^۱
سید هادی زرقانی^۲
علی اکبر دبیری^۳

چکیده

از آنجایی که منطقه‌گرایی به معنای بذل توجه ویژه به یک منطقه جغرافیایی مشخص است، کشورها برای عضویت و شکل دهی به سازمان‌های منطقه‌ای و تحقق منافع و ایده آل‌هایشان به مناطقی توجه می‌کنند که بیشترین وابستگی اقتصادی، سیاسی-امنیتی و فرهنگی را به آن داشته باشند. در واقع، دولت‌ها سازمان‌های منطقه‌ای را براساس اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک خود بر می‌گزینند. در این پژوهش با استفاده از ساختار فضائی نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی، به بررسی جایگاه کشورهای سازمان همکاری شانگهای و نیز ایران در قلمرو ژئواستراتژیک و مناطق ژئوپلیتیک پرداخته شده و زمینه‌های جغرافیایی و اولویت‌های منطقه‌ای اعضای آن مشخص گردیده است. در نهایت دیدگاه‌های ژئوپلیتیک چین و روسیه به عنوان دو قدرت اصلی این سازمان و ایران به عنوان عضو ناظر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد که بر خلاف روسیه و چین که شکل دهی و عضویت در این سازمان بر اساس اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک آنها صورت پذیرفته است، عضویت ایران در این سازمان انطباق چندانی با اولویت منطقه‌ای و هویت ژئوپلیتیک آن ندارد.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی، اولویت منطقه‌ای، دیدگاه ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی ایران، سازمان همکاری شانگهای.

استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۳ - دانش آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤل): a.a.dabiri1365@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۵

ماهیت نظام بین الملل در دنیای امروز به شکلی است که با افزایش دامنه نقش و نفوذ و منافع ملی قدرت‌ها، ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف و منطقه‌گرایی نیز بیشتر می‌شود. بنابراین همان طور که در جامعه ملی هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی به قدرت سیاسی دست یابد و به ناچار باید در پناه یک حزب، جایگاهی در معادلات سیاسی پیدا کند، یک کشور هم نمی‌تواند به تنهایی در معادلات قدرت جهانی جایگاهی پیدا کند. از این رو، منطقه‌گرایی خود را بر همه کشورها تحمیل می‌کند و در این میان، کشورهای موفق خواهند بود که با تمهیدات لازم به استقبال آن رفته و قدرت خود را درون یک تشکل منطقه‌ای تعریف کنند (نقیب زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱). از سوی دیگر، کشورهایی که دارای تقارن جغرافیایی هستند غالباً مناطق ارتباط دوجانبه و چند جانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آن‌ها شدیداً از همدیگر تاثیر می‌پذیرد. هر چه این تقارن جغرافیایی بیشتر باشد، اثرپذیری متقابل بیشتر است و بسته به نوع رابطه متقابل و همانندی سیاسی و فرهنگی و مکملیت اقتصادی، انتظار همگرایی بین آن‌ها می‌رود. بنابراین، ویژگی‌های مشترک جغرافیایی یکی از عواملی است که زیرساخت همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳، ص ۶۱). در واقع، عضویت یا شکل دهی به یک سازمان منطقه‌ای باید براساس اولویت‌های منطقه‌ای و میزان وابستگی اقتصادی، سیاسی-امنیتی، فرهنگی و ... به یک منطقه جغرافیایی صورت پذیرد. به عبارت دیگر، کشورها در پیوستن به سازمان‌های منطقه‌ای به بهترین منطقه برای تحقق منافع و ایده آل‌هایشان توجه می‌کنند، منطقه‌ای که در آن هویت ژئوپلیتیک‌شان شکل گرفته است. سازمان همکاری شانگهای نیز یک سازمان منطقه‌ای است که اعضای قدرتمند آن یعنی روسیه و چین بر اساس اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک خود اقدام به تشکیل و توسعه آن کرده‌اند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران که با مناطق ژئوپلیتیک متعدد ارتباط دارد در تلاش برای پیوستن به این سازمان منطقه‌ای است. از آنجایی که این سازمان اولین سازمان منطقه‌ای با ماهیت امنیتی است که ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خواهان عضویت آن است، شناسایی، ارزیابی و تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های پیوستن ایران به این سازمان حائز اهمیت بسزایی است. در این پژوهش با استفاده از ساختار فضایی نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی به بررسی این مسئله پرداخته می‌شود که آیا پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای با اولویت‌های منطقه‌ای و هویت ژئوپلیتیک این کشور انطباق دارد یا خیر؟

۱- روش و پیشینه تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز با استفاده از روش‌های گوناگون و به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. به علاوه، تلاش شده است تا برای درک و فهم بهتر مطالب از نقشه استفاده شود.

اگرچه تاکنون در مورد پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای با استفاده از نظریه سیستم ژئوپلیتیک کوهن و بررسی هویت ژئوپلیتیک این کشور پژوهشی صورت نپذیرفته است، اما پژوهش‌های قابل توجهی در مورد فرصت‌ها و چالش‌های عضویت ایران در این سازمان انجام شده است. از جمله کارهای پژوهشی که در این باب صورت پذیرفته است می‌توان به پایان‌نامه مرضیه السادات الوند با عنوان «زمینه‌های شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای امنیتی آن برای ایران» اشاره کرد. در این پایان‌نامه عوامل منطقه‌ای و جهانی که باعث شکل‌گیری این سازمان شده مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بعد منطقه‌ای، مسائلی چون موج رو به گسترش اقدامات تروریستی منتسب به گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و تحرکات طالبان، جدایی طلبی، قاچاق گسترده مواد مخدر، اختلافات و تهدیدات مرزی و شیوع بی‌ثباتی و ناآرامی و در بعد بین‌المللی نیز تغییرات ساختار نظام جهانی از دو قطبی به تک قطبی و نگرانی مسکو و همسایگان آن از هژمونی آمریکا و گسترش ناتو به شرق و همچنین نگرانی مشترک اعضا در مورد امنیت منطقه‌ای در شمار عوامل ایجاد سازمان مزبور بوده‌اند. در مورد پیامدهای امنیتی تشکیل سازمان شانگهای نیز در فصل پنجم این پایان‌نامه بیان شده است که به لحاظ اهمیت استراتژیک منطقه آسیای مرکزی برای جمهوری اسلامی ایران و هم‌پوشانی قابل توجه محیط امنیتی ایران با محیط امنیتی سایر اعضا، پیوستن به این سازمان برای ایران اهمیت بسیار می‌یابد و به عبارتی منجر به تقویت امنیت ملی ایران می‌گردد. در مجموع پیامدهای امنیتی این پیمان در سطح منطقه‌ای برای ایران مثبت ارزیابی شده است (الوند، ۱۳۸۶، ص ۱).

الهه کولایی در مقاله‌ای که با عنوان «سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی» در *دوفصلنامه پژوهش علوم سیاسی* به چاپ رسانده است، عضویت ایران و سایر کشورهای ناظر در آن را با توجه به دیدگاه‌های متفاوت اعضای کنونی، نه تنها باعث کارآمدی آن نمی‌داند بلکه سبب افزایش موانع و مشکلات اجرایی نیز می‌شورد. او همچنین معتقد است عضویت ایران در این پیمان توانایی قابل توجهی را در مواجهه با دشواری‌های بین‌المللی به ویژه سیاست‌های خصمانه آمریکا عرضه نخواهد کرد، اما در زمینه قاچاق مواد مخدر، سلاح و انسان و جرایم سازمان یافته، کمک قابل ملاحظه‌ای برای ایران خواهد بود (کولایی، ۱۳۸۵، ص ۴۴).

مقاله ای دیگری با عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های تجاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای» توسط علی امیدی در فصلنامه بررسی‌های اقتصادی به چاپ رسیده است. در این مقاله مؤلف به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی ایران در پیوستن به سازمان همکاری شانگهای پرداخته است. از جمله این فرصت‌ها می‌توان به تقویت رویکرد تجاری به شرق، ترانزیت کالا و انرژی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تشکیل باشگاه انرژی، و در شمار چالش‌های اقتصادی می‌توان به خطر ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی، تعارضات تجاری، عدم توازن چانه زنی و استفاده ایزاری از ایران اشاره کرد (امیدی، ۱۳۸۶، صص ۵۱-۵۰).

مقاله دیگری توسط، عزت‌الله عزتی و کیومرث یزدان‌پناه در فصلنامه ژئوپلیتیک با عنوان «تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی - امنیتی شانگهای با تأکید بر چشم‌انداز عضویت ایران در این سازمان» نوشته شده است. در این مقاله عضویت در سازمان همکاری شانگهای با هدف کاهش حجم تهدیدات منطقه‌ای و مشارکت در همکاری منطقه‌ای در زمینه‌های امنیتی برای تامین منافع ملی و افزایش قدرت چانه‌زنی جمهوری اسلامی ایران مفید ارزیابی شده است. اما گفته شده است که به دلیل تسلط دو قدرت بزرگ روسیه و چین و تعارض منافع آن‌ها و برخی از دیگر اعضا با منافع استراتژیک ایران، عضویت دائمی در این سازمان با اهداف و منافع ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک ایران همخوانی ندارد (عزتی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۶، ص ۷۶). مقاله‌های دیگری نیز در فصلنامه‌های علمی- ترویجی و علمی - مروری در ارتباط با فرصت‌ها و چالش‌های عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به چاپ رسیده است که فرصت اشاره به آن‌ها در اینجا نیست.

۲- تعریف مفاهیم

۲-۱- منطقه و منطقه‌گرایی

تعاریف مختلفی که از منطقه وجود دارد براساس محوریت یکی از موضوعات جغرافیا، تاریخ و فرهنگ مشترک، همکاری سامان یافته اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی یا امکان شکل‌گیری یک جامعه مدنی مطرح شده‌اند (مستقیمی و قوام ملکی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵). فرهنگ/استراتژی، منطقه را سرزمین چند کشور می‌داند که به علت پیوند جغرافیایی یا منافع مشترک به یکدیگر مرتبط شده‌اند (محمد نژاد و نوروزی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳). کانتوری و اشپیگل منطقه را حوزه‌ای از کره خاکی می‌دانند که در برگیرنده شماری از کشورهای نزدیک به هم از نظر جغرافیایی است به گونه‌ای که آن کشورها در سیاست خارجی خود روابط متقابل برقرار سازند (Cantori and Spiegel, 1970, 4). اصطلاح منطقه در جغرافیای سیاسی به گونه تصادفی استفاده نمی‌شود. منطقه یک فضای جغرافیایی را می‌گویند که از

یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیوند دهنده اجزای محیط، هم از نظر فیزیکی و هم از دید محیط انسانی، برخوردار باشد (مجتهد زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۲).

منطقه‌گرایی معادل کلمه لاتین «رژیونالیسم»^۴ است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل تشکیلات و اجتماعی است که مرکب از دست کم سه واحد سیاسی باشند (کازمی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۳). اصطلاح مزبور هنگامی کاربرد دارد که دولتهای واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علائق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاریهای نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند (علی بابایی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲). به عبارت دیگر منطقه‌گرایی عبارت است از ایجاد تحول در یک منطقه مشخص، از پراکندگی و چند دستگی به همگون شدن و همگرایی، آن هم در یک رشته از زمینه‌ها که مهم‌ترین آن‌ها فرهنگ، امنیت، سیاست‌های اقتصادی و رژیم‌های سیاسی است. سطح مشخصی از «همسانی» شرط لازم است اما کافی نیست (Yalem, 1969, p.184). در واقع منطقه‌گرایی به معنای بذل توجه ویژه به یک منطقه جغرافیایی مشخص است که به نظر می‌رسد بهترین مکان برای تحقق منافع و ایده آل‌های کشورهای مربوط می‌باشد (سیمبر، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴).

۲-۲- هویت ژئوپلیتیک

منظور از هویت ژئوپلیتیک این است که یک کشور به چه سیستم منطقه‌ای تعلق دارد. در واقع ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی-امنیتی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی یک کشور و میزان وابستگی به یک منطقه، هویت جغرافیایی و ژئوپلیتیک آن را مشخص می‌کند. تعریف هویت ژئوپلیتیک، یکی از موضوعات مهم سیاست و حکومت است. در طول دهه‌های گذشته حکومت‌های مختلف از هویت ژئوپلیتیک برای حفظ قدرت و مشروعیت خود نزد ملت‌ها و در روابط با قدرت‌های بزرگ استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه، پاکستان همواره در تعیین هویت ژئوپلیتیک خود دچار گرفتاری بوده است و در حالی که ملت پاکستان، نخبگان فرهنگی و روشنفکران آن با نگاه توسعه‌ای سعی در اتصال پاکستان به هویت فرهنگی-سیاسی آسیای جنوبی و انرژی و توسعه اقتصادی داشته‌اند، نخبگان اجرایی و حکومت‌های پاکستان سعی دارند خود را به هویت خاورمیانه‌ای و جهان اسلام متصل کنند (Haqqani, 2004, pp. 92-91).

۲-۳- نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی

نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی^۵ جدیدترین نظریه ژئوپلیتیک است که توسط سائل بی. کوهن^۶ ارائه شده است. کوهن در قالب این سیستم الگوی توزیع قدرت، روابط قدرت بین اجزاء سیستم، سطح

⁴ regionalism

⁵ - Global Geopolitical System

⁶ - Saul B. Cohen

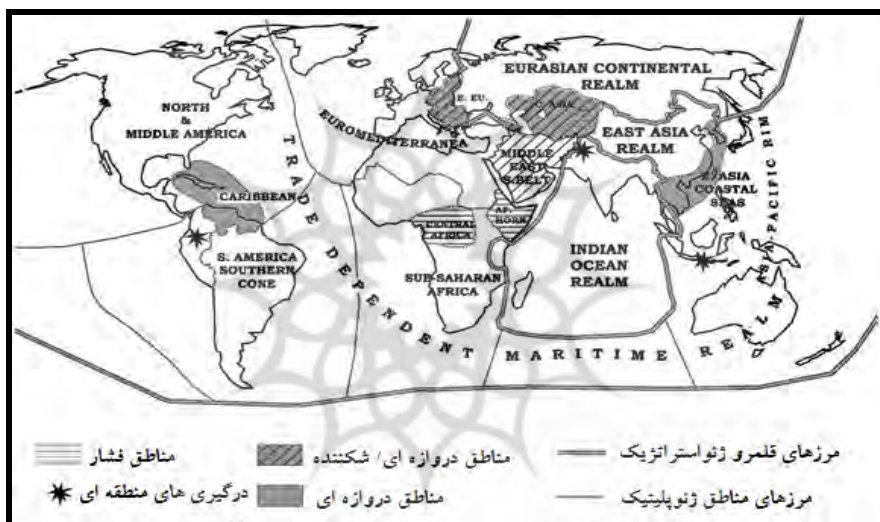
بندی سیستم و ساختار فضائی سیستم را توضیح می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۴۰). براساس این نظریه، دو زمینه اصلی جغرافیایی فیزیکی-انسانی که شامل زمینه «دریایی» و زمینه «قاره‌ای» است حوزه‌هایی را برای توسعه ساختارهای ژئوپلیتیک متمایز ارائه می‌دهند. تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و نهادهای سیاسی که در این زمینه‌ها تکامل یافته‌اند، به طور اساسی در اقتصادها، فرهنگ‌ها، سنت‌های انسانی و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک متفاوتند. در سلسله مراتب فضایی ساختار جهانی کوهن، حوزه ژئواستراتژیک بالاترین سطح به شمار می‌رود. این حوزه‌ها بخش‌هایی از جهان است که برای دارا بودن خصوصیات و کارکردهای تاثیرگذار در سطح جهانی به اندازه کافی بزرگ بوده و در خدمت نیازهای استراتژیک قدرت‌ها، کشورها و مناطق مهم هستند. مهم‌ترین عامل متمایز کننده یک حوزه، درجه شکل‌گیری آن توسط شرایط بُعد دریایی یا بُعد قاره‌ای است. در جهان کنونی، سه حوزه ژئواستراتژیک تکامل یافته‌اند: حوزه دریایی تجارت محور آتلانتیک و پاسفیک، هارتلند اوراسیایی روسیه قاره‌ای و حوزه قاره‌ای-دریایی آسیای شرقی (کوهن، ۱۳۸۷، صص ۸۵-۸۴). دومین سطح از ساختار فضائی سیستم ژئوپلیتیک جهان شامل مناطق ژئوپلیتیک می‌باشد. این مناطق ژئوپلیتیک اکثراً زیر بخش‌هایی از حوزه‌های ژئواستراتژیک دریایی و قاره‌ای هستند، به شکلی که قلمرو ژئواستراتژیک دریایی شامل شش منطقه ژئوپلیتیک اروپا، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، حوزه کارائیب، حوزه آسیای ساحلی (ژاپن، استرالیا، کره) و آفریقای جنوب صحرا است و قلمرو ژئواستراتژیک قاره‌ای شامل دو منطقه ژئوپلیتیک هارتلند (روسیه) و آسیای شرقی (چین و مغولستان) می‌باشد (Cohen, 1994, p. 34).

در ساختار فضائی نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی حوزه‌ها و مناطق دیگری نیز وجود دارند که عبارتند از: الف) کمربند‌های شکننده^۷: کوهن در نظریه پیشین خود درباره ساختار ژئوپلیتیک جهان قائل به دو یا سه کمربند شکننده یعنی خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و آفریقای استوایی بود. این مناطق به عنوان کانون نفوذ و رقابت قدرت‌ها شناخته می‌شدند و از این رو شبیه «منطقه تصمیم» در نظریه قدرت هوایی سورسکی به نظر می‌رسیدند (Dikshit, 1995, p. 12). کوهن پس از جنگ سرد تنها خاورمیانه را منطقه شکننده دانسته و دو منطقه جنوب شرق آسیا و جنوب آفریقا را جزء قلمرو ژئواستراتژیک دریایی قرار می‌داد. ب) کشورها و مناطق گذرگاهی: کشورهایی هستند که تسهیل کننده ارتباط بین دو قلمرو ژئواستراتژیک یا دو منطقه ژئوپلیتیک می‌باشند، نظیر اروپای شرقی و آمریکای مرکزی. این مناطق در پیوستگی و انسجام و تکامل سیستم نقش برجسته‌ای را به عهد دارند. ج) منطقه ژئوپلیتیک مستقل: این منطقه بر شبه قاره هند تطبیق می‌کند و در قلمرو ژئواستراتژیک جای

⁷ Shatter Belts

نمی‌گیرد. این منطقه حالت دوگانه داشته و حدود ۸ تا ۱۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. قطب برجسته این منطقه هند است که در حال ارتقاء برای تبدیل شدن به سومین قلمرو ژئواستراتژیک جهان می‌باشد (Ibid, p. 28).

در واقع کوهن بر خلاف بسیاری از نظریه پردازان کلاسیک جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک^۸ بر این باور است که جهان سیاسی از نظر استراتژیک یکپارچه نیست، بلکه دنیایی اساساً از هم گسیخته و تقسیم شده به چند منطقه جدا از هم است. وی با طرح چنین دیدگاهی از جهان سیاسی، پلی بر فاصله میان جهانی‌اندیشی جغرافیایی و سیاسی دهه‌های نخستین قرن بیستم و دهه‌های واپسین آن قرن می‌بندد، دهه‌ای که شاهد شکل گرفتن منطقه‌گرایی‌های سیاسی-اقتصادی چندگانه بود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، صص ۱۹۹-۱۹۸). بنابراین کوهن در نظریه خود برای هر منطقه هویت ژئوپلیتیک مجزایی قائل است که آن را از سایر مناطق و حوزه‌ها جدا می‌سازد، مهم‌ترین عامل تمایز میان مناطق میزان برخورداری از زمینه قاره‌ای و دریایی است.



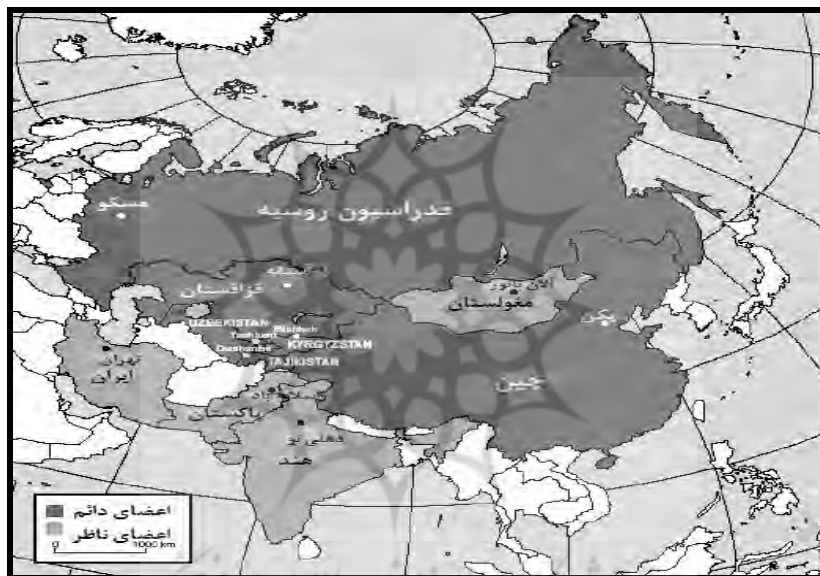
نقشه (۱): ساختار فضایی نظریه نظام ژئوپلیتیک جهانی در قرن ۲۱

Source: Cohen, 2004, p. 239.

^۸ نظریه پردازان سنتی ژئوپلیتیک مانند ماهان، مکیندر، اسپایکمن و دوسورسکی جهان سیاسی را دارای ساختار یکپارچه‌ای می‌دانستند و به همین سبب از اصطلاحات و مفاهیمی مانند قلب زمین، سرزمین حاشیه و منطقه تصمیم استفاده می‌کردند.

۲-۴- سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای یک سازمان چند نقشی است که دو بُعد امنیتی و اقتصادی آن اهمیت بیشتری دارد. این سازمان دارای شش عضو دائم شامل روسیه، چین، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان و همچنین دارای چهار عضو ناظر شامل ایران، هندوستان، پاکستان و مغولستان می‌باشد (سازمان همکاری شانگهای، ۱۳۸۸، صص ۱۶-۱۵). مغولستان در سال ۲۰۰۴ و سه کشور دیگر در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شدند (خانی، ۱۳۸۵، صص ۵۷-۵۶). از دلایل اهمیت این سازمان می‌توان به در اختیار داشتن منابع عظیم انرژی، وسعت و جمعیت زیاد، عضویت دو قدرت بزرگ (روسیه و چین، برخوردار از ژئوپلیتیک هارتلند و موقعیت ژئواستراتژیک، گردآوری سه حوزه تمدنی بودایی، ارتدوکسی و اسلامی و عدم عضویت قدرت‌ها و کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا و اروپا) در آن اشاره کرد.



نقشه (۲): کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای

(Oldberg, 2007, p. 4)

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- موقعیت سازمان همکاری شانگهای و ایران در قلمروهای ژئواستراتژیک و مناطق ژئوپلیتیک بر اساس نظریه کوهن، اعضای دائم سازمان همکاری شانگهای که شامل روسیه و چین و چهار کشور آسیای مرکزی می‌باشند در دو حوزه ژئواستراتژیک اوراسیایی و آسیای شرقی قرار دارند. در

واقع شکل‌گیری این سازمان حاصل درهم آمیزی دو قطب قدرت این دو حوزه ژئواستراتژیک است. قلمرو جغرافیایی اعضای دائم سازمان همکاری شانگهای یادآور شکل انقباض یافته قلمرو ژئواستراتژیک قاره‌ای قبل از فروپاشی شوروی و جدایی سیاسی چین و روسیه در سال ۱۹۶۹ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که سازمان همکاری شانگهای با توجه به زمینه جغرافیایی خود یک سازمان خشکی محور یا قاره‌ای است. اما ایران براساس ساختار فضایی نظریه کوهن در منطقه کمربند شکننده خاورمیانه قرار دارد. چنین مناطقی در سیاست جهانی محوری بوده و تضمین کننده پیشبرد برنامه ریزی استراتژیک، و نه واکنش مقطعی به بحران‌ها، هستند (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۹۹). این مناطق به هیچ یک از قلمروهای ژئواستراتژیک تعلق ندارند و دارای هویت ژئوپلیتیک جداگانه‌ای هستند، به طوری که می‌توان زمینه جغرافیایی این مناطق را دریایی-قاره‌ای نامید. خاورمیانه قدیمی‌ترین و آخرین کمربند شکننده محسوب می‌شود که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت و همچنان به عنوان یک منطقه شکننده ایفای نقش می‌کند. اهمیت کمربند شکننده خاورمیانه به دلیل ذخایر عظیم فسیلی و هویت و تمدن اسلامی بیشتر از سایر مناطق شکننده بوده است تا جایی که اگر کشورهای آن دارای شرایط دستیابی به قدرت راهبردی شوند، می‌توانند تغییرات اساسی را در نظام ژئوپلیتیک جهانی ایجاد کنند. یکی از این کشورها ایران است که دارای سابقه تاریخی یک قدرت جهانی نیز بوده است.

دلایل و ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که نشان دهنده خصوصیت «قاره‌ای» سازمان شانگهای، از یک سو، و موقعیت «قاره‌ای-دریایی» ایران، از سوی دیگر، است ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱-۱- ویژگی‌های جغرافیایی

اعضای دائم سازمان همکاری شانگهای قسمت اعظم خشکی قاره اوراسیا را دربر گرفته‌اند. روسیه با دربرگرفتن ۱۶۹۹۵۸۰۰ کیلومتر مربع از خشکی‌ها جهان و چین با ۹۳۲۶۴۱۰ کیلومتر مربع در رده اول و دوم جهان قرار دارند. قزاقستان دیگر عضو سازمان همکاری شانگهای با دربرگرفتن ۲۶۶۹۸۰۰ کیلومتر مربع از خشکی‌های جهان در رتبه دهم قرار گرفته است. در برگرفتن گستره وسیعی از خشکی‌های جهان باعث شده است کشورهای عضو این سازمان بیشترین میزان مرزهای خشکی را نیز به خود اختصاص دهند. مرزهای خشکی چین و روسیه به ترتیب با ۲۲۱۱۷ و ۲۰۲۴۱ در رده اول و دوم در میان کشورهای جهان جای گرفته است و قزاقستان با ۱۲۱۸۵ کیلومتر مرز خشکی در رده ششم در میان بیش از ۲۰۰ کشور جهان قرار دارد (Nationmaster, 2013). علاوه بر این، چهار عضو دائم سازمان همکاری شانگهای شامل قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان فاقد مرز دریایی و امکان دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد بوده و در این زمینه، به واحدهای سیاسی دیگر وابسته هستند.

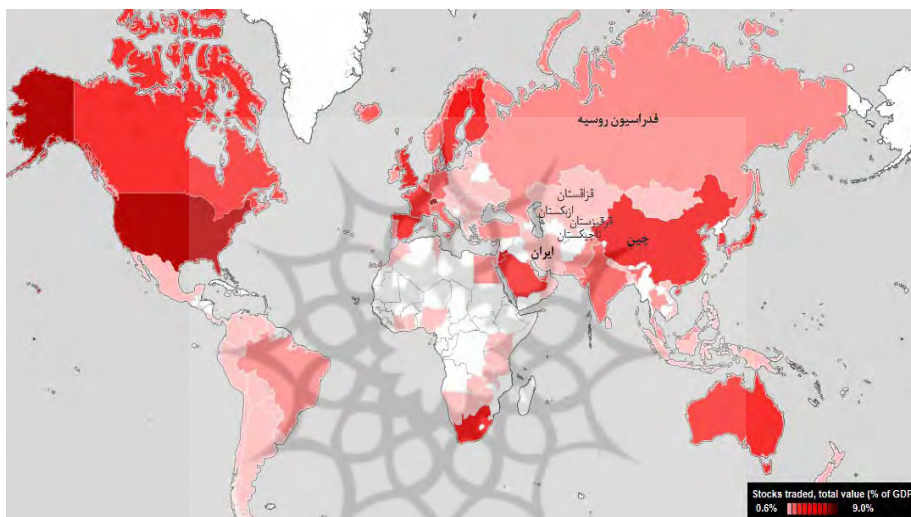
این امر برای ازبکستان بسیار جدی‌تر است، به طوری که برای دستیابی به آب‌های آزاد باید حداقل از دو کشور عبور کند. روسیه نیز نسبت به وسعت خود دسترسی محدودی را به آب‌های آزاد جهان دارد، زیرا بسیاری از سواحل این کشور در قسمت‌های شمالی (اقیانوس منجمد شمالی) غیرقابل استفاده‌اند. چین نیز تنها در قسمت‌های جنوب شرقی خود دارای ارتباط با اقیانوس و آب‌های آزاد بوده و بیش از سه چهارم مرزهای آن در خشکی قرار دارند. بنابراین، این سازمان دارای زمینه جغرافیایی قاره‌ای است.

از سوی دیگر، ایران با پانزده کشور همسایه است که در این میان مرزهای مشترکش با هشت کشور عمان، امارت متحده عربی، عربستان سعودی، قطر، بحرین، کویت، قزاقستان و روسیه صرفاً مرز آبی بوده و با چهار کشور عراق، پاکستان، ترکمنستان و آذربایجان نیز دارای مرز دریایی و خشکی است. بدین ترتیب، مجموع طول پیرامون و کرانه‌های ایران ۸۷۳۱ کیلومتر است که شامل مرزها و کرانه‌های آبی، رودخانه‌ای و خشکی است. از این مقدار ۲۷۰۰ کیلومتر (حدود ۳۱ درصد) مربوط به کرانه‌های دریایی در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر است. مرزهای رودخانه‌ای ایران با همسایگان برابر با ۱۸۳۰ کیلومتر (۲۰/۹ درصد)، مرزهای خشکی با همسایگان برابر با ۴۱۱۳ کیلومتر (حدود ۴۷/۱ درصد) و مرزهای دریاچه ای و باتلاقی در حدود ۸۸ کیلومتر (یک درصد) است (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ص ۳۰۸). از نظر میزان طول ساحل، ایران در میان ۱۲۲ کشور جهان در ردیف ۲۷ قرار دارد و در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پس از ترکیه، عربستان سعودی و مصر، دارای بیشترین درازای ساحلی است (کریمی پور و حیدری، ۱۳۸۸، ص ۵۸). بنابراین، ویژگی و موقعیت جغرافیایی ایران دارای ترکیبی از زمینه قاره‌ای و دریایی است.

۳-۱-۲- ویژگی‌های اقتصادی

براساس نظریه نظام ژئوپلیتیک جهانی، شدت حضور یک کشور در تجارت بین‌المللی بازتابی از زمینه دریایی و قاره‌ای آن است (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۸۶). در میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، چین با بیش از ۱۳ درصد از سهم تجارت جهانی در رتبه دوم جهان قرار دارد و از این حیث خود را از حوزه قاره‌ای جدا کرده و وارد نظام بازار آزاد و تجارت جهانی شده است. بعد از چین، روسیه با ۲/۵ درصد قرارداد که البته این میزان تجارت جهانی به دلیل حجم بالای صادرات منابع فسیلی (نفت و گاز) می‌باشد. سایر اعضای دائم این سازمان که شامل قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان هستند سهم بسیار اندکی از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند (World Bank, 2012). در واقع ساختار اقتصادی اعضای سازمان همکاری شانگهای به جز چین و تا حدودی روسیه دارای ماهیت قاره‌ای و بسته است و به رغم تلاش کشورهای حوزه دریایی برای وارد کردن کشورهای

آسیای مرکزی به نظام بازار آزاد و تجارت جهانی این امر به دلایل ساختارهای اقتصادی باقی مانده از دوره شوروی و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه تحقق پذیرفته است. ایران نیز از لحاظ اقتصادی با در اختیار داشتن ۰/۸ درصد از تجارت جهانی سهم چندانی را در این عرصه دارا نیست (World Bank, 2012). این سطح از تجارت هم بیشتر به دلیل صادرات مواد خام مخصوصاً نفت است. ایران همچنین در سازمان تجارت جهانی عضویت ندارد. علاوه بر این، بنادر و سواحل ایران در مقایسه با کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله دویی و ابوظبی، وضعیت بسیار ضعیفی داشته و علی رغم ویژگی‌های جغرافیایی مناسب، جایگاه شایسته‌ای در حمل و نقل دریایی ندارند. اما زیر ساخت‌های اقتصادی ایران به دلیل روابط اقتصادی-سیاسی ۱۰۰ سال اخیر با غرب بیشتر دارای زمینه دریایی (اروپایی و آمریکا) است تا قاره‌ای. بنا بر این، می‌توان گفت جدا ماندگی ایران از نظام بازار آزاد در حال حاضر ناشی از تقابل سیاسی و ایدئولوژیک این کشور با نظام جهانی حاکم (زمینه دریایی) است.



نقشه (۳): سهم کشورها مختلف در تجارت جهانی براساس تولید ناخالص داخلی

Source : (World Bank, 2013)

۳-۱-۳- ویژگی‌های سیاسی

از نظر نوع حکومت و رژیم سیاسی، اعضای دائم سازمان همکاری شانگهای دارای شباهت‌هایی با یکدیگر می‌باشند. در این کشورها قدرت سیاسی معمولاً در اختیار یک حزب یا یک طبقه و گروه قرار دارد و چرخش و انتقال قدرت صورت نمی‌پذیرد. نخبگان سیاسی و طبقه روشنفکر در این کشورها نیز معمولاً باقیمانده نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی می‌باشند. در مجموع می‌توان گفت نظام‌های سیاسی در کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از لحاظ مؤلفه‌های دموکراسی، حقوق

مدنی، آزادی‌های فردی و اجتماعی در مقایسه با کشورهای حوزه دریایی (آمریکا و اروپا) در سطح پائین‌تری قرار دارند و جوامع سیاسی بسته‌تری محسوب می‌شوند. شاید به همین دلیل بوده است که اشکال فوق‌العاده متمرکز و مستبدانه حکومت در این حوزه به بستر مناسبی برای ظهور کمونیسم و دیگر اشکال استبداد تبدیل شده‌اند. بنابراین چهار کشور آسیای مرکزی به همراه چین و روسیه از لحاظ سیاسی نیز دارای ماهیت قاره‌ای و بسته هستند.

از نظر سیاسی، ایران طی بیش از ۲۵۰۰ سال دارای حکومت شاهنشاهی و اقتدارگرایانه بوده است و هر چند توزیع فضایی قدرت سیاسی در برخی از جنبه‌ها صورت می‌پذیرفته، اما اقتدار سیاسی در یک نفر خلاصه می‌شده است. با وجود این، ایران دارای سابقه شکل‌گیری مجلس به مدت بیش از ۱۰۰ سال است که موجب محدود شدن قدرت شاه می‌شد. از این حیث ایران در منطقه خاورمیانه جایگاه اول را داراست. همچنین ایران از لحاظ رعایت و اجرای مؤلفه‌های دموکراسی و حقوق بشر در وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر کشورهای منطقه قرار دارد. بعد از انقلاب اسلامی، سیستم حکومتی تغییر کرد و نظامی پدید آمد که مهم‌ترین ویژگی‌های آن دینی و ایدئولوژیک هستند. نظر مردم در بسیاری از وجوه ساختار سیاسی کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم اعمال می‌شود و مردم سالاری در سال‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی را داشته است. علاوه بر این، در زمینه سیاست بین‌الملل نیز ایران با نه گفتن به دو قلمرو شرق و غرب برای خود هویت جداگانه‌ای ایجاد کرده و به موقعیت حائل واقعی خود بازگشته است. اما باید توجه داشت که این هویت یک هویت جغرافیایی و ژئوپلیتیک و ناشی از زمینه جغرافیایی این کشور نبوده و بلکه نشأت گرفته از ایدئولوژی اسلامی حکومت است. در مجموع می‌توان گفت ترکیبی از نهادهای سنتی و مدرن موجب شده تا نظام سیاسی در ایران منحصر به فرد بوده و شباهتی به هیچ یک از نظام‌های سیاسی غربی یا شرقی نداشته باشد.

۳-۱-۴- ویژگی‌های فرهنگی

از لحاظ فرهنگی اگرچه منطقه آسیای مرکزی و چین از دیرباز محل مراودات و تعاملات فرهنگی بوده است و وجود جاده ابریشم این ارتباطات را میان شرق و غرب آسیا و همچنین اروپا منجر می‌شده است، اما بعد از اهمیت یافتن راه‌های دریایی و شکل‌گیری تجارت دریایی، از اهمیت این مناطق کاسته شد و این مناطق در نوعی انزوای جغرافیایی قرار گرفتند. این امر به همراه ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی منطقه باعث انزوای فرهنگی نیز شد. در واقع مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی، سیاسی (حکومت‌های اقتدارگرا) و اقتصادی باعث شکل‌گیری فرهنگی خاص و متمایز در این مناطق شده است. البته باید توجه داشت که این وضعیت در همه این کشورها و مناطق یکسان نبوده است، به طوری که در کشور چین، مناطق شرقی و جنوب شرقی (مناطق ساحلی) به دلایل مراودات تجاری و تعاملات

فرهنگی بیشتر، دارای فرهنگی بازتر و متفاوت در مقایسه با قسمت‌های شمالی و غربی که دور از مراودات فرهنگی و تجاری قرار داشتند، هستند. اما به طور کلی ظهور رسانه‌های جمعی و فناوری ارتباطات تا حدودی این انزوای فرهنگی و عدم ارتباط با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را کم رنگ کرده است. در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که کشورهای آسیای مرکزی به دلیل حضور بیش از ۷۰ سال در نظام کمونیستی و مراودات اقتصادی، سیاسی و امنیتی با روسیه، به لحاظ فرهنگی نیز بیشتر ماهیت قاره‌ای دارند تا دریایی.

از نظر فرهنگی، ایران دوران پر فراز و نشیبی را طی کرده و یکی از کهن‌ترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیا به شمار می‌آید. موقعیت جغرافیایی این کشور که ارتباط دهنده آسیا، اروپا و آفریقا می‌باشد باعث شکل‌گیری مراودات فرهنگی متنوعی با سایر کشورها و مناطق شده است. از نظر تاریخی، مردمان ایران از فرهنگ ایران باستان و حکومت‌های مقتدر و بادوام آن و همچنین اسلام و مخصوصاً مذهب تشیع تاثیر زیادی پذیرفته‌اند. قلمرو فرهنگ انسانی ایران در شمال با قلمرو ترک و توران از یک سو و قلمرو روسی-اسلاوی از سوی دیگر، در شرق با قلمرو فرهنگ چینی و هندی و در جنوب و غرب با فرهنگ و قلمرو تمدن عربی و سامی محدود می‌شود. ایران هویت فرهنگی و تمدنی خود را در میان قلمروهای فرهنگی و تمدنی پیرامون حفظ کرده است (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۵). علاوه بر ویژگی‌های فرهنگ عمومی، نخبگان فرهنگی و دانشگاهی به دلیل تحصیلات دانشگاهی در کشورهای دارای زمینه دریایی (آمریکا و اروپا) گرایش بیشتری به این حوزه ژئواستراتژیک دارند و از نظر اکثر ایرانیان ارتباط با آنها حائز اهمیت بیشتری به شمار می‌رود.

جدول شماره (۱): هویت ژئوپلیتیک اعضای سازمان همکاری شانگهای

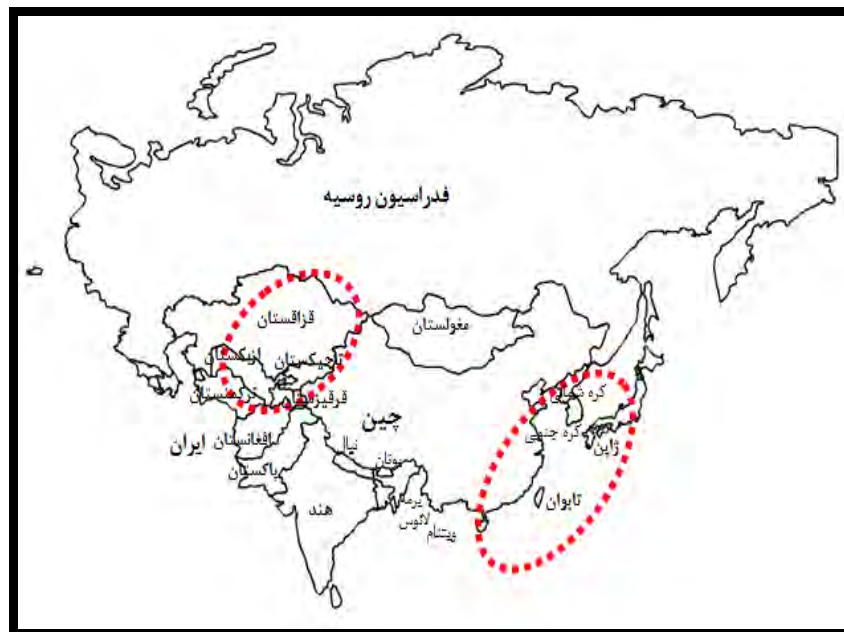
ویژگی‌ها نام کشور	جغرافیایی	اقتصادی	سیاسی	فرهنگی	هویت ژئوپلیتیکی
روسیه	قاره ای	قاره ای- دریایی	قاره ای	قاره ای	قاره ای
چین	قاره ای	دریایی	قاره ای	قاره ای	قاره ای
قزاقستان	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای
ازبکستان	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای
تاجیکستان	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای
قرقیزستان	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای	قاره ای
ایران	قاره ای- دریایی	قاره ای	قاره ای- دریایی	قاره ای- دریایی	قاره ای- دریایی

۲-۳- تفاوت در دیدگاه‌های ژئوپلیتیک ایران و اعضای سازمان همکاری شانگهای

تفاوت در زمینه‌های جغرافیایی باعث تفاوت در دیدگاه ژئوپلیتیک ایران و سایر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای مخصوصاً روسیه و چین شده است. بر همین اساس، ایران و این دو عضو سازمان همکاری شانگهای اولویت‌های منطقه‌ای و کانون‌های توجه و تعلق ژئوپلیتیک متفاوتی دارند.

۳-۲-۱- نگرش چین به سازمان همکاری شانگهای و اولویت‌های منطقه‌ای

ملاحظات اصلی چین در مورد ایجاد و توسعه سازمان همکاری شانگهای موارد زیر را در بر می‌گیرد: اول آن که این سازمان بخشی از سیاست حاشیه‌ای بزرگ‌تر چین است که بر روابط حسنه با کشورهای همسایه تاکید دارد. دولت چین متوجه است که اگر بخواهد بر توسعه اقتصادی در داخل تمرکز کند باید محیطی امن در اطراف خود داشته باشد. دوم آن که، آسیای مرکزی از نظر جغرافیایی به طور مستقیم با افغانستان در ارتباط است که بیش از ۲۵ سال متحمل جنگ بوده و منبع اصلی مواد مخدر و تروریسم است. تروریست‌های بین‌المللی آسیای مرکزی مستقیماً از جدایی‌طلبانی حمایت می‌کنند که بر تجزیه منطقه خودمختار ایگور سین کیانگ از چین تاکید دارند. سوم آن که، با توسعه اقتصادی سریع چین، نیاز آن به انرژی در سال‌های اخیر افزایش زیادی داشته است. آسیای مرکزی منطقه‌ای نسبتاً غنی از نفت و گاز طبیعی است که می‌تواند تامین‌کننده اصلی انرژی برای چین باشد. چین از طریق همکاری در زمینه انرژی با کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند راهبرد تنوع بخشیدن به منابع واردات انرژی خود و عدم وابستگی صرف به خاورمیانه را تحقق بخشد (یانگ و سایرین، ۱۳۸۶، ص ۸۵). در سطح منطقه‌ای، علاوه بر همسایگان چین، تشکل‌های منطقه‌ای از عوامل تعیین‌کننده و اثرگذار بر سیاست امنیتی و دفاعی این کشور می‌باشند (بلوجی، ۱۳۸۶، ص ۵۷). بنابراین چین براساس منافع اقتصادی و ویژگی‌های محیط امنیتی پیرامون خود اقدام به تشکیل یا عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای می‌کند. دو منطقه آسیای ساحلی شامل مناطق شرقی چین، شبه جزیره کره، ژاپن و تایوان و منطقه آسیای مرکزی به عنوان اولویت‌های منطقه‌ای چین شناخته می‌شوند. به همین دلیل آن دسته از سازمان‌های منطقه‌ای که چین در آن‌ها عضویت دارد در ارتباط با این دو منطقه می‌باشند (نقشه شماره ۴). لازم به ذکر است که کشمکش‌ها و بحران‌های موجود در دیگر مناطق جهان همچون خاورمیانه برای چین در مرحله بعدی اولویت قرار دارند. به علاوه، درگیری‌های خاورمیانه و جنوب غربی آسیا از آنجا که فرصت تمرکز آمریکا بر شرق آسیا و تشدید بحران تایوان را کاهش می‌دهند برای چین مثبت ارزیابی می‌شوند.



نقشه (۴): اولویت‌های منطقه‌ای چین

ترسیم از: نگارندگان

از سوی دیگر، در شرایطی که حجم مبادلات چین و آمریکا رقمی معادل ۲۰ درصد از تجارت خارجی این کشور را به خود اختصاص داده است، حجم مبادلات ایران و چین به سختی از نیم درصد حجم مبادلات تجاری این کشور فراتر می‌رود. علاوه بر این روابط پیچیده چین و اسرائیل که در سال‌های اخیر ابعاد گسترده‌تری یافته است از دیگر عواملی محسوب می‌شود که با وجود خصومت استراتژیک ایران و اسرائیل امکان گسترش روابط راهبردی تهران و پکن را با ابهام مواجه می‌سازد (غفاری و شریعتی، ۱۳۸۷، صص ۹۰-۹۱) بنابراین مشاهده می‌شود که منطقه آسیای مرکزی به دلایل مختلف اقتصادی و سیاسی-امنیتی از اولویت‌های چین برای شکل دهی به سازمان‌های منطقه‌ای به شمار می‌آید. از سوی دیگر، این کشور تلاش می‌کند تا از وابستگی خود به انرژی خاورمیانه بکاهد. به همین دلیل به دنبال واردات نفت خام از شرق سبیری و غرب قزاقستان از طریق خط لوله است که در مقایسه با واردات نفت خام خاورمیانه (از طریق دریا و نفتکش) آسیب پذیری کمتری دارد (یادگاری، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲). در واقع، چین در دیپلماسی انرژی خود می‌کوشد تا وابستگی خود را به خلیج فارس به عنوان منطقه تحت نفوذ آمریکا کاهش دهد. این امر سبب می‌شود که تاثیرگذاری و نفوذ آمریکا بر جریان انتقال انرژی به چین کاهش یابد (امامی میبدی و اسماعیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۰). بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که از اهمیت منطقه خلیج فارس و خاورمیانه (اولویت‌های منطقه‌ای ایران) در راهبرد بلند

مدت چین کاسته خواهد شد و این کشور برای تامین انرژی مورد نیاز خود به سایر مناطق از جمله آسیای مرکزی توجه خواهد کرد.

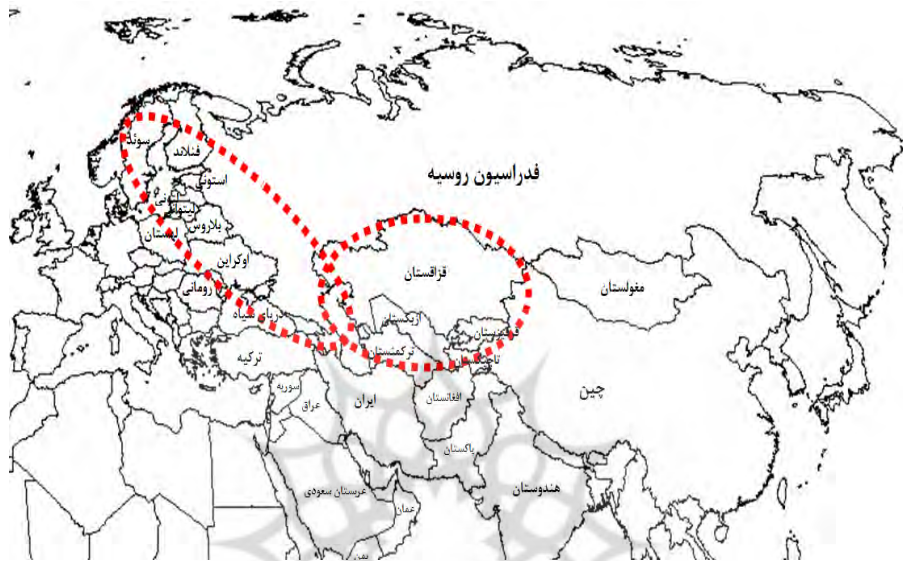
۲-۲-۳- اولویت‌های منطقه‌ای روسیه و نگرش به سازمان همکاری شانگهای

مفهومی در ادبیات سیاست خارجی روسیه وجود دارد که به «اوراسیاگرایی»^۹ موسوم بوده و در دو سده اخیر بسیار مورد بحث قرار گرفته است. این مفهوم به ضرورت اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن میان غرب و شرق اشاره دارد و در مقابل مفاهیم «آتلانتیک‌گرایی»^{۱۰}، «شرق‌گرایی» و «اسلاوگرایی» بیشتر برای تعدیل آن‌ها مطرح می‌شود (کرمی، ۱۳۸۷، ص ۷۷). آسیای مرکزی بخشی از این منطقه است که از نظر استراتژیک حوزه امنیتی روسیه شمرده می‌شود و حضور قدرت‌های بیگانه در آن خواه ناخواه بر امنیت روسیه تاثیرگذار است (دیلمی معزی، ۱۳۸۷، ص ۶۶). در واقع در فضای ژئوپلیتیک روسیه، آسیای مرکزی، قفقاز و شرق اروپا به دلایل اقتصادی، مرز مشترک، ملاحظات امنیتی و روابط تنگاتنگ اجتماعی و فرهنگی «خارج نزدیک» به حساب می‌آیند و از لحاظ منطقه‌ای، اولویت اصلی سیاست خارجی روسیه را تشکیل می‌دهند، به طوری که نوع نگاه روسیه به این مناطق باعث خلق مفهوم جدیدی در سیاست امنیتی روسیه به نام آیین «مونروئه روسی» شده است. بر اساس این مفهوم، روسیه نه تنها دیگران را از دخالت در این مناطق باز می‌دارد، بلکه حق مداخله را برای خود در جمهوری‌های تازه استقلال یافته بر اساس منافع ویژه خود محفوظ می‌دارد (احمدیان و غلامی، ۱۳۸۸، ص ۹). روسیه با حفظ این مناطق قادر است که نخست امنیت خود را تامین کند، دوم منافع سیاسی و اقتصادی خود را تضمین نماید، سوم با تسلط بر منابع انرژی و حفظ انحصار خود بر آن‌ها، در مواقع لازم از ابزار انرژی به عنوان یک اهرم علیه دولت‌های غربی استفاده کند و مهم‌تر از همه این که با حفظ مناطق اطراف خود از نفوذ رقبا به خودسازی از درون پردازد و زمینه را برای احیای قدرت گذشته فراهم آورد. به همین دلیل در سند سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۰۰ تدوین شد و نسخه جدید آن توسط دولت مدودف نگارش یافته است، بزرگ‌ترین تهدیدها و فرصت‌های این کشور از جانب مناطق غربی است، که از جمهوری‌های بالتیک تا مرزهای جنوب غربی یعنی از روسیه سفید، اوکراین، مولداوی تا دریای سیاه، قفقاز و دریای خزر امتداد دارد (رمضان زاده و حسینی، ۱۳۷۹، ص ۴۳). علاوه بر این روس‌ها پس از واگذاری اروپای شرقی و سایر حوزه‌های ژئواستراتژیک، همچنان بر حفظ آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان تنها حوزه نفوذ و حیاط خلوت خود اصرار دارند (داداندیش،

^۹ Eurasian Integration

^{۱۰} -Atlantic Integration

۱۳۸۶، ص ۷۶). روسیه برای بدست آوردن و تقویت و تثبیت موقعیت در حوزه‌های اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی از سازمان‌های منطقه‌ای مانند کشورهای مستقل مشترک المنافع، مجمع اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و پیمان امنیت جمعی استفاده می‌کند. در واقع، این کشور سازمان‌های منطقه‌ای را بر اساس اولویت‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیک خود طراحی می‌کند. از سوی دیگر، در سند دکترین سیاست خارجی روسیه، کشورهای خاورمیانه (که ایران یکی از آنهاست) جزء کشورهایی هستند که روسیه برای تامین اهداف اعتباری و اقتصادی خود با آنها تعامل دارد، اما جایگاه آنها در سیاست خارجی روسیه خیلی چشمگیر نیست (نعمتی زرگران، ۱۳۸۷، ص ۲۹۷).



نقشه (۵): اولویت‌های منطقه‌ای روسیه

ترسیم از نگارندگان

۳-۲-۳- اولویت‌های منطقه‌ای و هویت ژئوپلیتیک ایران

به دلیل ماهیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی که منطقه‌گرایی و سازمان‌های منطقه‌ای دارند، ایران نیز برای شکل دهی و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای باید بر اساس منطق و دیکنه هویت ژئوپلیتیک خود عمل نماید. به این ترتیب شدت وابستگی به هریک از پنج منطقه ژئوپلیتیک پیرامون کشور می‌تواند شاخص مناسبی برای اولویت دهی به شکل دهی و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای باشد.

۳-۲-۳-۱- منطقه خاورمیانه

خاورمیانه محل اتصال قاره‌های آفریقا، آسیا و اروپا است و مهم‌ترین آبراه‌ها و شبکه‌های حمل و نقل دریایی را دربر می‌گیرد. از نظر ژئواستراتژیک نیز منطقه تماس بین ارواسیا و جهان بحری است

(درایسدل و اچ بلیک، ۱۳۶۹، ۲۳-۲۲). این منطقه به دلایل مختلف سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت بسیار زیادی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. از نظر سیاسی-امنیتی، اسرائیل بزرگ‌ترین دشمن ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی در این منطقه است. همچنین حضور چشم‌گیر قدرت مداخله‌گر ایالات متحده آمریکا در این منطقه، امنیت و منافع ملی ایران را به شدت به خطر انداخته است. علاوه بر این، رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای (ترکیه، عربستان و عراق) و بحران‌های قومی-مذهبی (کردها) از دیگر عواملی است که باعث اهمیت سیاسی-امنیتی خاورمیانه برای ایران شده است. از نظر فرهنگی نیز پیوندهای مذهبی با مردم عراق و همچنین شیعیان سوریه و لبنان و وجود عتبات عالیات در عراق و سوریه، برای ایران شیعی مهم تلقی می‌شود. شکل‌گیری مفهوم سیاسی-مذهبی هلال شیعی در منطقه ناشی از پیوند فرهنگی میان ایران و شیعیان این کشورهاست. از منظر اقتصادی نیز کشورهای منطقه به دلیل ویژگی‌های اقتصادی خاص، بازار مناسبی برای کالاهای تولیدی ایران به شمار می‌آیند و از پتانسیل‌های مناسبی برای شکل‌دهی به سازمان‌های اقتصادی برخوردارند. در مجموع می‌توان گفت ایران وابستگی ژئوپلیتیک بسیاری به منطقه خاورمیانه دارد.

۳-۲-۳-۲- منطقه خلیج فارس

سرتاسر نوار ساحلی شمال خلیج فارس که در تقسیم‌بندی‌های اخیر به عنوان یکی از زیر سیستم‌های آسیای جنوب غربی مطرح گردیده محدود به جمهوری اسلامی ایران است. این منطقه از شمال غرب به کشورهای عراق و کویت، از جنوب غرب و جنوب به عربستان سعودی، امارت متحده عربی، قطر و بحرین و از جنوب شرق نیز محدود به قسمتی از عمان (المسندم) است (ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس، ۱۳۸۷، ص ۳). خلیج فارس از نظر ویژگی‌های سیاسی-امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای بسیار حیاتی برای ایران محسوب می‌گردد. وجود منابع عظیم نفت و گاز به همراه حضور قدرت مداخله‌گر (آمریکا) و پیمان نظامی-امنیتی آن با کشورهای منطقه، اختلافات ارضی و مرزی و رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای اهمیت این منطقه را برای ایران دو چندان کرده است. همچنین از آنجایی که تقریباً تمام صادرات نفتی و اکثر صادرات و واردات غیر نفتی ایران از این منطقه صورت می‌پذیرد؛ خلیج فارس و تنگه هرمز به عنوان شاه‌رگ اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران محسوب می‌شود و در صورت هرگونه بحران در منطقه تأثیرات مستقیمی بر امنیت و منافع ملی ایران خواهد داشت. از نظر فرهنگی، خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن بخشی از جهان اسلام را تشکیل می‌دهند. وجود اکثریت شیعی در بحرین و عراق و اقلیت شیعیان در سایر کشورهای منطقه برای ایران مهم تلقی می‌شود. علاوه بر این، هویت تاریخی منطقه و نام خلیج فارس برای اکثریت ایرانیان حساس و مهم

شمرده می‌شود. به طور کلی، خلیج فارس مهم‌ترین منطقه ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شود و این کشور وابستگی ژئوپلیتیک بسیار بالایی به این منطقه دارد.

۳-۲-۳- منطقه شبه قاره

منطقه شبه قاره با تاکید بر دو کشور افغانستان و پاکستان واجد اهمیت بسزایی برای ایران است. از جمله دلایل اهمیت سیاسی-امنیتی این منطقه برای ایران می‌توان به مرزهای طولانی با دو کشور افغانستان و پاکستان، وجود اقلیت‌های اکولوژیک (بلوچ‌ها)^{۱۱}، ضعف ساختار دولت-ملت و دولت‌های شکننده در این منطقه، بی‌ثباتی سیاسی، تجارت و قاچاق مواد مخدر و تهدیدات ناشی از آن، بنیادگرایی اسلامی و تروریسم بین‌المللی، وضعیت شیعیان و نهایتاً حضور ایالات متحده و پایگاه‌های نظامی آن در منطقه اشاره کرد. از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز قسمت وسیعی از این منطقه جزء حوزه تمدنی ایرانی محسوب می‌شود، به طوری که افغانستان را می‌توان دولت-ملتی فارس زبان محسوب کرد. از نظر اقتصادی، منطقه شبه قاره به دلیل ناامنی و بی‌ثباتی چندان مورد توجه واقع نشده است، اما کشیده شدن خط لوله صلح به منطقه (پاکستان-هند) می‌تواند مزایای اقتصادی و امنیتی برای ایران به همراه داشته باشد. به طور کلی، شبه قاره بعد از خلیج فارس و خاورمیانه مهم‌ترین منطقه ژئوپلیتیک پیرامون ایران است.

۳-۲-۴- منطقه آسیای مرکزی

پنج جمهوری آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر نقشه جغرافیای سیاسی جهان شکل گرفتند. این منطقه در حوزه تمدنی ایران قرار دارد. وجود کشور فارسی زبان تاجیکستان و شهرهای بزرگ و آباد سمرقند و بخارا با اکثریتی فارسی زبان نشان‌دهنده پیوند فرهنگی-تمدنی ایران با کشورهای این منطقه است. از نظر سیاسی-امنیتی نیز این منطقه به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، داشتن مرزهای طولانی آبی-خاکی، تلاش آمریکا و ناتو برای نفوذ در منطقه، شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مرکزیت این منطقه و رژیم حقوقی دریای خزر دارای اهمیت قابل توجهی است. از نظر اقتصادی، انتقال خطوط انرژی و نقش ترانزیتی و کریدوری ایران در ارتباط این کشورها با آب‌های آزاد و همچنین بازار مصرف این کشورها دارای اهمیت است. اما به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای، ایران تاکنون نتوانسته است در مقایسه با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و

^{۱۱} اقلیت‌های اکولوژیک، اقلیت‌هایی هستند که همزمان با برخورداری از صفات ویژه خود، دارای فضای جغرافیایی یا زیستگاه اختصاصی و مجزا از سرزمین و زیستگاه اکثریت می‌باشند. به عبارت دیگر، سرزمین مادری و زیستگاه‌شان در بستر تاریخ به آن‌ها تعلق داشته و امروزه در حاشیه یا داخل یک کشور یا دولت قرار گرفته‌اند.

فرمانطقه‌ای نقش اقتصادی پر رنگی در این جمهوری‌ها ایفا نماید. علی‌رغم همه این موارد، ایران دارای وابستگی ژئوپلیتیک بالایی به این منطقه نیست، هر چند فرصت‌های جغرافیایی زیاد در ارتباط با این منطقه برای ایران وجود دارد.

۳-۲-۳-۵- منطقه قفقاز

قفقاز منطقه‌ای بین دریای سیاه و دریای خزر، در جنوب روسیه و شمال غرب ایران است. وسعت قفقاز ۴۴۰ هزار کیلومتر مربع و دارای سه جمهوری مستقل، هفت جمهوری خودمختار و چهار استان خودمختار است (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۷۲). این منطقه در طول تاریخ از ابعاد مختلف برای قدرت‌های اروپایی و آسیایی با اهمیت بوده است. این منطقه به دلایل زیر از نظر سیاسی-امنیتی برای ایران اهمیت دارد: شکل‌گیری آرمان آذربایجان بزرگ، روابط سیاسی-نظامی آذربایجان با آمریکا، جنگ‌های منطقه‌ای (آذربایجان و ارمنستان، روسیه و گرجستان)، بحران‌های قومی-مذهبی، و نهایتاً روابط ایران با ارمنستان (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۲۰۸). عامل دیگر تهدیدزا تنش‌های ناشی از دولت‌سازی در منطقه و جابجایی مقامات دولتی کشورهای منطقه قفقاز است (وٹوقی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸). از نظر اقتصادی، این منطقه ارتباط دهنده ایران به اروپاست و در زمینه صادرات انرژی نیز برای ایران مهم تلقی می‌شود. از نظر فرهنگی، آذربایجان بعد از ایران دومین کشور شیعی جهان محسوب می‌شود و پیوند قومی-مذهبی قوی با استان‌های شمال غرب کشور شامل آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل دارد. وابستگی ژئوپلیتیک ایران به این منطقه در حد متوسط است.

جدول (۲): میزان وابستگی ژئوپلیتیک ایران به هر یک از مناطق ژئوپلیتیک پیرامون کشور

نام منطقه	سیاسی - امنیتی	اقتصادی	فرهنگی-اجتماعی	وابستگی ژئوپلیتیکی
خاورمیانه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	زیاد
خلیج فارس	خیلی زیاد	خیلی زیاد	متوسط	خیلی زیاد
شبه قاره	زیاد	کم	زیاد	متوسط
آسیای مرکزی	متوسط	کم	زیاد	متوسط
قفقاز	زیاد	کم	متوسط	متوسط

بنابراین با توجه به وابستگی شدید ایران به دو منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و این‌که این کشور جزئی از کشورهای این دو منطقه شناخته می‌شود، منطقی‌ترین گروه‌بندی برای ایران، در درجه نخست

تشکیل اتحادیه اقتصادی محکمی با عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۲۲۵). ایران باید به نقش قدرت محوری و موقعیت مرکزی در شکل دهی به نظم نوین منطقه‌ای توجه بیشتری مبذول دارد (منفرد، ۱۳۸۵، صص ۷۳-۷۲). بنابراین پیوستن به سازمان همکاری شانگهای به دلیل آن که هیچ یک از کشورهای این سازمان در دو منطقه خلیج فارس و خاورمیانه قرار ندارند با هویت ژئوپلیتیک و اولویت‌های منطقه‌ای این کشور انطباق ندارد.

نتیجه‌گیری، تجزیه و تحلیل

از آنجایی که در جهان معاصر کشورها به تنهایی نمی‌توانند در معادلات قدرت جهانی جایگاهی پیدا کنند، منطقه‌گرایی و شکل‌دهی به سازه‌های منطقه‌ای از مسائل مهم دولت‌ها و سیاست بین‌الملل در قرن حاضر است. برای عضویت یا شکل‌دهی به یک سازمان منطقه‌ای، کشورها به اولویت‌های منطقه‌ای و میزان وابستگی اقتصادی، سیاسی-امنیتی، فرهنگی خود به یک منطقه جغرافیایی توجه می‌کنند. به عبارت دیگر، کشورها در پیوستن به سازمان‌های منطقه‌ای به بهترین منطقه برای تحقق منافع و ایده‌آل‌هایشان توجه دارند. سازمان همکاری شانگهای یک سازمان منطقه‌ای است که بخش وسیعی از اوراسیا را دربر گرفته است. اعضای دائم این سازمان در ساختار فضائی نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی کوهن در دو حوزه ژئواستراتژیک اوراسیایی و آسیای شرقی قرار دارند و دارای زمینه جغرافیایی قاره‌ای می‌باشند. اعضای این سازمان مخصوصاً روسیه و چین در شکل‌دهی و عضویت در این سازمان به زمینه‌های جغرافیایی و اولویت‌های منطقه‌ای خود توجه ویژه‌ای داشته‌اند. منطقه آسیای مرکزی که دارای موقعیت محوری در این سازمان است برای روسیه و چین از دو بعد اقتصادی (انرژی) و سیاسی-امنیتی (جدایی طلبی، بنیادگرایی اسلامی، مرزهای طولانی و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای) دارای اهمیت بسزایی بوده و در سیاست خارجی این کشورها از اولویت برخوردار است. بنابراین، عضویت روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای براساس اولویت‌های منطقه‌ای و هویت ژئوپلیتیک آن‌ها صورت پذیرفته است.

اما آسیای مرکزی برای ایران که دارای زمینه جغرافیایی قاره‌ای-دریایی است از اهمیت استراتژیک برخوردار نمی‌باشد. این کشور با پنج منطقه ژئوپلیتیک شامل خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه قاره در ارتباط است. ایران اگرچه با کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و شبه قاره دارای مرزهای طولانی است، اما جزء هیچ یک از این مناطق شناخته نمی‌شود و نسبت به آن‌ها موقعیت پیرامونی دارد. از سوی دیگر، ایران یکی از کشورهای مهم خاورمیانه و خلیج فارس بوده و در این دو منطقه دارای موقعیت محوری است. حیات سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی و در یک کلام

وابستگی ژئوپلیتیک ایران به خاورمیانه و خلیج فارس بیش از سایر مناطق است. از آنجایی که منطقه‌گرایی به معنای بذل توجه ویژه به یک منطقه جغرافیایی مشخص است که به نظر می‌رسد بهترین مکان برای تحقق منافع و ایده‌آل‌های کشورهای آن باشد، ایران نیز در پیوستن به سازمان‌های منطقه‌ای باید به هویت جغرافیایی و ژئوپلیتیک خود توجه کند. تفاوت در اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک ایران با چین و روسیه از یک سو و داشتن موقعیت و جایگاه حاشیه‌ای نسبت به این دو کشور از سوی دیگر، و همچنین عدم برخورداری خاورمیانه و خلیج فارس (اولویت‌های منطقه‌ای ایران) از اهمیت استراتژیک برای روسیه و چین نشان دهنده این است که پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای با هویت ژئوپلیتیک و اولویت‌های منطقه‌ای ایران همخوانی چندانی ندارد و این عضویت بیشتر ناشی از اضطرارهای امنیتی و محدودیت سیاست خارجی ایران در سایر مناطق و حوزه‌هاست.

قدردانی

مقاله حاضر بر گرفته شده از پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی با عنوان «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای» است. لذا نگارندگان بر خود لازم می‌دانند که از دانشگاه فردوسی مشهد به خاطر حمایت‌هایش قدردانی نمایند.

منابع

- احمدیان، ق. و غلامی، ط. (۱۳۸۸). آسیای مرکزی و قفقاز، عرصه تعارض منافع روسیه و غرب. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۲(۴)، صص ۱-۲۰.
- الوند، م. (۱۳۸۶). *زمینه‌های شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای امنیتی آن برای ایران*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- امامی میدی، ع. و اسماعیلی، ب. (۱۳۸۷). چین و منابع انرژی حوزه خزر. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱(۲)، صص ۱۵-۲۸.
- امیدی، ع. (۱۳۸۶). فرصت‌ها و چالش‌های تجاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای. *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی*، ۲۶، صص ۴۲-۵۳.
- بلوجی، ح. ع. (۱۳۸۶). سیاست دفاعی چین: موضوعات و تحلیل‌ها. *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۵(۱۷)، صص ۵۱-۸۰.
- حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۳، ۲۹ اردیبهشت). ژئوپلیتیک، علم یا گفتمان: یک تردید فلسفی. مقاله ارائه شده به نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
- حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، م. ر. و کاویانی راد، م. (۱۳۸۳). *اقتصادهای جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.

- خانی، م. ح. (۱۳۸۵). از هلسینکی تا شانگهای: نگاهی به سازمان‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۴(۴)، صص ۳۳-۴۴.
- داداندیش، پ. (۱۳۸۶). گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه تعامل ایران و روسیه. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۳(۱)، صص ۷۵-۹۶.
- درايسدل، آ. و بلیک، ج. ا. ج. (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا (ترجمه دره میرحیدر). چاپ چهارم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- دیلمی معزی، ا. (۱۳۸۷). آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست جهانی، تعامل ژئواکونومی و ژئوپلیتیک. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۳(۵ و ۶)، صص ۶۲-۷۳.
- رمضان زاده، ع. و حسینی، س. ح. (۱۳۸۹). جایگاه گازپروم در راهبرد انرژی روسیه. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۳(۶)، صص ۴۱-۶۶.
- ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس (با تاکید بر شیعیان) (۱۳۸۷). تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. سازمان همکاری شانگهای (۱۳۸۸). دوره جدید مباحث کشورها و سازمانهای بین المللی ۱۳۴. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- سیمبر، ر. (۱۳۸۷). ایران و منطقه گرایی در آسیای جنوب غربی: راهبرد و راهکارها در سیاست خارجی ایران. سیاست نظری، دوره جدید، ۵، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- عزتی، ع. و یزدان پناه درو، ک. (۱۳۸۶). تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی-امنیتی شانگهای با تاکید بر چشم انداز عضویت ایران در این سازمان. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۳(۳)، صص ۵۵-۷۷.
- غفاری، م. و شریعتی، ش. (۱۳۸۸). امکان‌سنجی گسترش روابط راهبردی ایران و چین از منظر نظریات اتحاد و همگرایی. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۴(۱)، صص ۷۵-۹۵.
- کرمی، ج. (۱۳۸۹). روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۳(۶)، صص ۱۱۱-۱۳۶.
- کریمی پور، ی. و حیدری، غ. ح. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- کریمی پور، ی. (۱۳۷۹). مقدمه ای بر ایران و همسایگان. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم تهران.
- کولایی، ا. (۱۳۸۵). سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی. پژوهش علوم سیاسی، ۳، صص ۲۹-۴۶.
- کوهن، س. ب. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی (ترجمه ع. کاردان). تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- مجتهد زاده، پ. (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران: نشر نی.
- مجتهد زاده، پ. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
- محمد نژاد، م. ع. و نوروزی، م. ت. (۱۳۷۸). فرهنگ استراتژی. تهران: سکنا.

- مستقیمی، ب. و قوام ملکی، ح. ر. (۱۳۸۷). امکان‌سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱(۲)، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- منفرد، ق. (۱۳۸۵). امکان‌سنجی شکل‌گیری ترتیبات امنیتی مشترک در حوزه خزر. فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، ۱۳(۴۳)، صص ۱-۲۹.
- نقیب زاده، ا. (۱۳۸۸). ایران، کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۲(۵)، صص ۱۳۹-۱۵۲.
- واعظی، م. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز بنیان‌ها و بازیگران. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- وثوقی، س. (۱۳۸۸). تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱، صص ۱۰۱-۱۱۶.
- یادگاری، ح. (۱۳۸۴). تقاضا و چالش‌های امنیت انرژی در آسیا. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۲۶ و ۲۲۵، صص ۱۹۴-۲۰۳.
- یانگ، ج. و سایرین (۱۳۸۶). ظهور منطقه‌گرایی آسیایی و تحول در نظام بین‌الملل (اندیشه‌ها و دیدگاه‌های علمی چین) (ترجمه بدر الزمان شهبازی). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- Cantori, L. J. & Spiegel S. (1970). The international politics of regions; A comparative approach. NJ: Prentice-Hall.
- Cohen, S. B. (1994). Geopolitical in the new world era. In Demko, G. J. & Wood, W. B., Recording the World. USA: West View Press.
- Cohen, S. B. (2003). The 2002 annual political geography lecture - Geopolitical realities and United States foreign policy. Political Geography, 22, pp. 1-33.
- Dikshit, R. D.(1995). Political Geography. New Delhi: Tata McGraw-Hill Publishing Company limited.
- Nationmaster. availale at:
http://www.nationmaster.com/graph/geo_lan_are_sq_km-geography-land-area-sq-km, (accessed on 2013, Jan 6).
- Oldberg, I. (2007). The Shanghai Cooperation: Powerhouse or paper tiger?. FOI- Swedish Defence Research Agency, Defence Analysis SE-164, Stockholm.
- World Bank (2013). Stocks traded, total value (% of GDP). availale at:
<http://data.worldbank.org/indicator/CM.MKT.TRAD.GD.ZS/countries/1W?display=map>, (accessed on 2013, Jan 2).
- World Bank, World Development Indicators database (2012, December 21). available at: <http://databank.worldbank.org/databank/download/GDP.pdf>, (accessed on 2013, Jan 2).
- Yalem, J. R. (1965). Regionalism and world order. Washington: Public Affair Press.